



۲۰۲۱/۱۰/۰۷



دوکتور میر عبدالرحیم عزیز

## اسرار غیر واقعی پنجشیر افشاء گردید

افرادی که خود را "رهبران" پنجشیر می نامند، مرتکب بزرگترین خطای سیاسی و نظامی گردیدند. این گروه "نامور" پنجشیر را به تباهی کشانیدند و مردم این سرزمین را خوار و ذلیل ساختند. این "رهبران" نه دانش سیاسی داشتند و نه فهم ستراتیژیک. فکر و دماغ شان هنوز هم در موهومات دهه هشتاد گشت و گذار میکند و به تغییرات عمده ای که در خلال ۴۰ سال در افغانستان پدید آمده اصلاً باور ندارند.

امراالله صالح با آموزش استخباراتی در امریکا و صحبت روان، خود را در سطح یک تیوریسن می پندارد که بایست همه به گفتار و نظراتش ارج بگذارند و تابع عقایدش شوند. با خودخواهی و تکبر ذاتی، صالح معتقد است که طرز دید و فهم ناپخته اش مافوق دیگران بوده و با درک ناقصش از حوادث سیاسی و نظامی کنونی میتواند هرگونه تهاجم طالبان را در هم بکوبد. اما نمیدانست که برادرش از زمره قربانیان اول تکتیک و ستراتیژی ابلهانه وی میگردد. از عملکرد وی و سائر "رهبران" جاهل پنجشیر معلوم میشود که این گروه حتا با اراضی منطقه شان آشنائی نداشتند، وگرنه با چنین شکست خفت آوری مواجه نمی شدند.

احمد مسعود که به نام کاذب پدر فخر میفرود شد، متصور بود که با رهنمائی دستگاه جاسوسی ام آی ۶ برتانیه (MI-6) و سازمان جاسوسی ایران (واواک) شاید قادر باشد نیروی عظیمی از مردم پنجشیر را علیه طالبان بسیج کند. اما فهمید که مردم پنجشیر سخت از وی و دیگر "رهبران" خود ساخته نفرت دارند و حاضر نیستند به خاطر خواهشات نفسانی چند عنصر ضد ملی جان شان را فدا نمایند. چند روز جنگ توسط کسانی به راه انداخته شد که مجال فرار از افغانستان را نیافتند و صرف توانستند خود را به دره پنجشیر برسانند که بعداً طعمه طالبان شدند. در خلال بیست سال شوکت و جلال شورای نظار، رهبران فاسد این گروه نه تنها هرگز به فکر آسایش مردم فقیر و زجر دیده پنجشیر نبودند، بلکه به قیمت خون این مردم غرق در عیش و نوش بوده و مصروف خیانت به میهن و دزدی و غارت ثروت ملی کشور شدند. همه قهرمان پرستی های تهوع آور، همه جانبازی های کاذب و مبارزات دروغین افشاء گردید و ثابت شد که احمد شاه مسعود اصلاً با قوای اشغالگر شوروی ننگیده، بلکه صرف مانور هائی بود که برای بزرگ ساختن مسعود به راه انداختند تا از وی قهرمانی برای رهبری "افغانستان شمالی" خلق نمایند.

"رهبری" پنجشیر میتواند که با خردمندی و درک شرایط سیاسی و نظامی کشور و فهم معنای عقب نشینی افتضاح آمیز (شکست) باداران اجنبی با زرنگی خاص با طالبان وارد مذاکره شود و از تهاجم تباہ کن طالبان جلوگیری نماید. اما نافهمی و غرور جاهلانه ای این گروه "رهبری"، مردم و سرزمین پنجشیر را به سوی تباہی و شرمندگی تاریخی

سوق داد. جبهه "مقاومت" نزدیک به شکست بود که پیشنهاد صلح را پیش کشید، اما خیلی دیر شده بود که بتواند حیثیت از دست رفته را اعاده نماید. هیچ غالب پیشنهاد صلح مغلوب حقیر را نمی پذیرد. شکست پنجشیر پرده از بسیار رازها برداشت که تا آن زمان با دسایس اجانب و معاهدات مخفی پوشیده باقی مانده بود. درین جا افشای اسرار پنجشیر را تا جائیکه در ذهنم خطور میکند، ارزیابی می نمایم.

۱. در گذشته ها چنین وانمود میشد که دره پنجشیر تسخیر ناپذیر است و هیچ جهانگشا و متجاوز نمیتواند این دره را در جنگ خود بیاورد. چطور شد که نیروی طالبان پا برهنه بعد از چند روزی دره پنجشیر را به تصرف خود درآوردند. یک عده از میهن فروشان حامی مسعود این مفکوره را در خورد مردم داده بودند که پنجشیر غیر قابل فتح است. حتا اشغالگران شوروی هم تبلیغ میکردند که مساعی آنها در انهدام سنگر پنجشیر به ناکامی مواجه گردیده بود. لاکن حال مردم ما میدانند که این همه تبلیغات برای فریب اذهان عامه بود تا احمد شاه مسعود را قهرمان جلوه دهند. سرانجام بعد از ۲۰ سال مکر و فریب، دره پنجشیر در دست کسانی افتاد که یک صد هزارم قوت نظامی شوروی را نداشتند. شاید در آینده حالت باز هم فرق نماید، اما حداقل گفته میتوانیم که دره پنجشیر مسخر شد.

۲. "رهبری" پنجشیر همیشه لاف میزد که مردم با ماست، اما چند روز جنگ عکس آنرا ثابت ساخت. مردم جفا کشیده پنجشیر که سالیان متمادی در زیر مهمیز رهبران خائن و خود ساخته دست و پا میزدند، بیشتر ازین حاضر نشدند که خود را فدای هوس یک عده از تجزیه طلبان و خاک فروشان نمایند. چند روز جنگ از سوی کسانی به راه انداخته شد که از ترس به سوی دره پنجشیر فرار کردند که آنهم بعد از چند روز مقاومت تار و مار گردیدند. من به مردم نجیب پنجشیر تهنیت می فرستم که در دام درنده خویان شورای نظار نه افتادند و از خائنان حمایت نکردند. مردم نجیب این خُطه همچنان متوجه شدند که قبل از همه، رهبران شان مانند محمدی بودند که با پول و غنیمت فرار کردند و مردم خویش را تنها گذاشتند. پس چطور میتوان به این گونه رهبران فاسد و ترسو اعتماد کرد.

۳. اختلافات ذات البینی میان گروگان گیران (گروه رهبری) و سائر تبه کاران دره پنجشیر جریان سقوط این منطقه را سرعت بخشید و راز دیگری از جبهه پنجشیر را افشاء نمود. کشمکش بر سر تقسیم غنائم و منافع مادی همیشه در میان افراد ماجراجو در پنجشیر وجود داشته است، اما کسی شهادت رویارویی با دارودسته مسعود و شرکا را نداشت. سرانجام این فرصت برای مخالفان مسعود پیش آمد تا انتقام گذشته ها را بگیرند. طوریکه شنیده شد شخصی به نام قومندان دین محمد جرات، فهیم دشتی (ژورنالیست) و عبدالودود زره خواهر زاده احمد شاه مسعود را در گیر و دار جنگ پنجشیر به قتل رسانید. دین محمد جرات یک انسان بیرحم و اوباش است که داکتر عبدالرحمان را به امر تقسیم فهیم در داخل طیاره کشت و بعد جسد او را از زینه طیاره پایان انداخت.

۴. اختلافات ذات البینی میان افراد در کدر "رهبری" از عمق به سطح آمد. معلومات بدست آمده نشان میدهد که تفاوت نظر جدی بین امرالله صالح و احمد مسعود در طرز عملکرد وجود داشت. طوریکه یک عده اظهار میدارند، احمد مسعود طرفدار جنگ نبود، اما اصرار امرالله صالح و چند تن جنگ طلب دیگر بودند که مصیبت را بر پنجشیر تحمیل کردند. به احتمال قوی که کشمکش بر سر تقسیم ثروت پنجشیر هم در خلق تضاد های دورنی بی تاثیر نبوده است.

۵. ویدیو ها به اثبات میرسانند که "رهبران" پنجشیر چه زندگی فرعونی اما به قیمت خون مردم برای خود به راه انداخته بودند. منازل شاهانه امرالله صالح، مسعود، عبدالله عبدالله و سائر دزدان این منطقه که حتا کمتر در اروپا امریکا

دیده شده است، به مردم پنجشیر و افغانستان ثابت ساخت که "رهبران" هرگز به فکر آرامی و آسایش مردم خود نبودند، بلکه فقط می‌زدیدند و تاراج میکردند. اگر اینها از کمترین شرف و وجدان انسانی برخوردار میبودند، از زندگی اشرافی در منازل مجلل در چنین یک محیط فقیر با مردم نادار اجتناب میورزیدند، در حالیکه ۹۹/۹۹ فیصد مردم این محله در زیر خط فقر دست و پا میزنند.

۶. معادن زمرد و لاجورد که ثروت ملی است، در حال کنونی از دست میهن فروشان شورای نظار خارج شده است. احمد شاه مسعود این ثروت ملی را برای خود میفروخت و پول آن را به جیب میزد. برادرانش هم خوب از این خیانت مستفید شدند. احمد شاه مسعود بعضاً برای یک عده خارجیانی که حامی وی بودند، لاجورد و زمرد را طور رایگان هدیه میکرد. روی همین دلیل بود که با کمک یک فرانسوی به اسم برنارد هنری لیوی (Bernard-Henry Levy) که مردم او را به حیث جاسوس اسرائیلی موساد میشناسند، یک لوح یاد بود به نام احمد شاه مسعود در ناحیه هشت پاریس نصب کردند. طوریکه افراد مطلع اظهار میدارند که این فرانسوی مقدار عظیمی از سنگ های قیمتی مانند زمرد و لاجورد را طور رایگان از احمد شاه مسعود بدست آورده بود. احمد شاه مسعود همچنان به سندی گال (Sandy Gall) فیلم ساز انگلیس هم تحایف زیادی عرضه کرد. سندی گال یکی از عناصر ام آی ۶ سازمان جاسوسی خارجی برتانیه است که فیلمی از احمد شاه مسعود تهیه نمود که در آن وجه مسعود را به سطح قهرمان بالا برد.

۷. بعد از شکست در پنجشیر، عقد معاهده مخفی احمد شاه مسعود با قوای اشغالگر شوروی بیشتر افشاء گردید. اگر احمد شاه مسعود و یارانش واقعاً قوای عظیم شوروی را شکست داده بودند، چرا قوای پنجشیر که مجهز تر نسب به آن زمان بود، نتوانست یک قوای میلیشائی ناتوان تر و ضعیفتر را نابود سازد. در عوض خود خرد و خمیر شد و پنجشیر در تصرف طالبان درآمد. شاید بگویند که شخص احمد شاه مسعود در نبرد با طالبان حضور نداشت تا ضرب شصت نشان میداد. باید اذعان نمود که احمد شاه مسعود حتا در دهه ۹۰ قرن گذشته هم از ترس طالبان به کولاب تاجیکستان فرار نموده بود و مردم پنجشیر را بی دفاع گذاشت. اگر حمایت ایران، شوروی، هند و امریکا نمی بود، طالبان همان زمان گلم وی را جم میکردند.

به هر صورت، "رهبری" پنجشیر مرتکب خطای استراتژیک شد که جبران آن زمان میخواهد. اگر با هشیاری و تأمل رفتار می کردند، پنجشیر در تصرف نظامی طالبان نمی افتاد، مردمش در زیر ضربات دو جانب کوفته نمیشدند و حیثیت جهانی "رهبری" پنجشیر پامال نمیشد و اسرار شان افشاء نمیگردید.



برای مطالب دیگر دوکتور میر عبدالرحیم عزیز روی عکس کلیک کنید